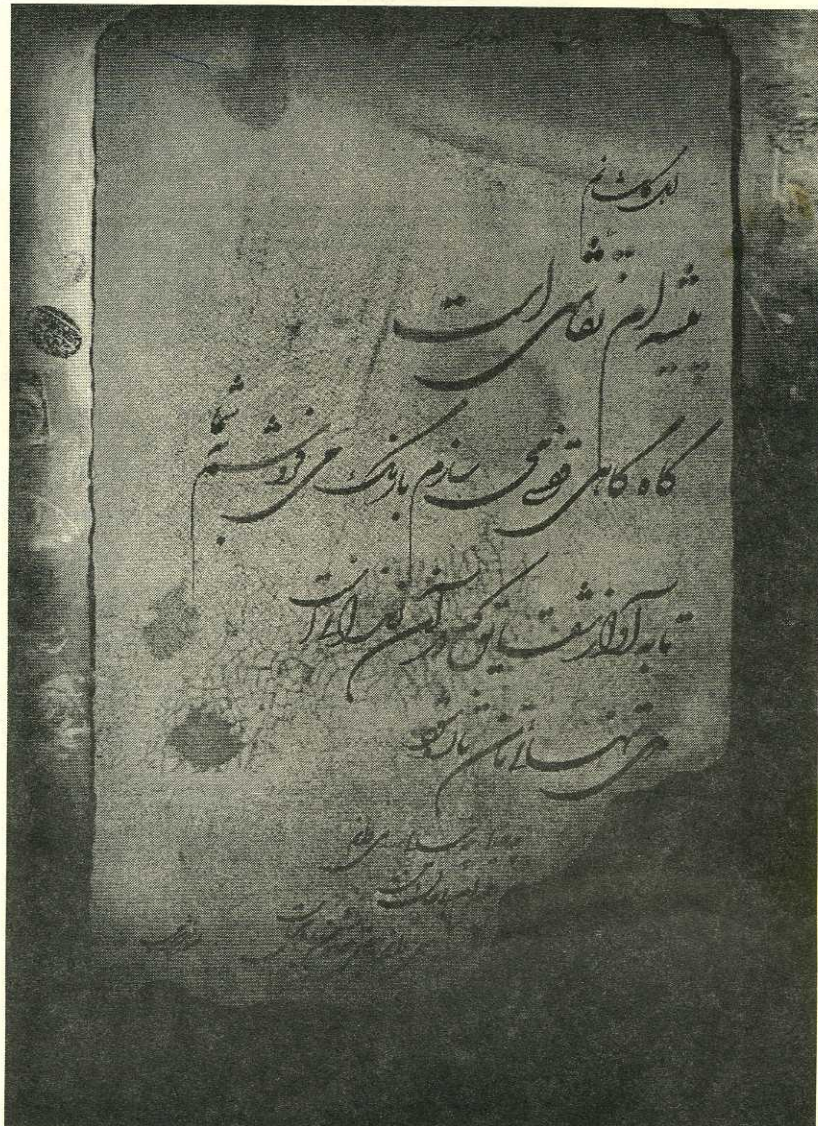
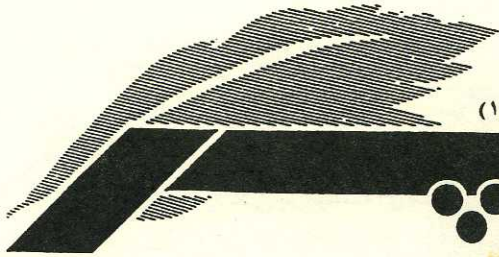


روزنامه فرهنگ ۴۷

۱۶۹

بهمن ماه ۱۳۷۸ (سال یازدهم، شماره ۱)



یوغ کمونیسیم بین المللی و سایر وقایعی که بعد از انقلاب در ایران صورت می گیرد می باشیم. نمایش صحنه های مختلف کتاب همان گونه که گذشت نشانه ای از قدرت قلم نویسنده است، که با دقتی شایسته تحسین هر کجا اراده کرده، به تجزیه و تحلیل حوادث و رویدادهای مورد نظر خود پرداخته است. کتاب با حوادث زندگی نویسنده به هنگام مأموریت او به عنوان سفیر در برزیل و با بخشی تحت عنوان «چرا شاه پیشنهاد آتش بس امام خمینی را نپذیرفت» ختم می شود. برای پی بردن به مضمون این پیشنهاد آتش بس علاقه مندان را به خواندن کتاب که واقعاً به خواندنش می ارزد حواله می دهیم. از دیگر رویدادهای مورد بحث کتاب، یکی هم انفجار عمارت سرکنسولگری ایران در سانفرانسیسکو در شب ۱۴ اکتبر سال ۱۹۷۱ است که با همه پیگیریهای مستمر «اف. بی. آی» عامل انجام آن مشخص نشد. ولی به ادعای نویسنده از راز آنها تنها دو نفر با اطلاع بوده اند یکی قطب زاده که اکنون دیگر زنده نیست و دیگر دکتر ابراهیم یزدی که در حال حاضر دبیرکل نهضت آزادی در ایران است.

پیشگفتار کتاب به قلم امیر اصلان افشار قاسملو نوشته شده است که آخرین سمتش رئیس کل تشریفات دربار بوده است. نگارنده نام او را همه جا امیر اصلان افشار (بدون قاسملو) دیده است. افشار قاسملو دیپلمات دیگری بوده است که پیش از حکومت سی و چند روزه بختیار وزیر خارجه کابینه های شریف امامی و ازهارای بوده و نام کاملش امیر خسرو افشار قاسملو است. کتاب همانند سایر کتب فارسی دیگر از آسیب اغلاط چاپی و مطبعی مصون نمانده و جا به جا تصحیحات را ایجاب می کند.

به طور خلاصه مطالب کتاب بیانگر این واقعیت است که در حکومت گذشته مسؤولین امور برای ابقای خود در پستهای کلیدی مملکت از انجام هیچ کاری حتی... خودداری نمی کرده اند که دلیل غیر قابل انکار آن یادداشتهای علم است که بی پرده تر از همه بدین مسأله اشاره کرده است. ❀

## هزاره نو

ژاله

بمان،  
بمان و ببین،  
ببین چگونه زمین،  
شود بزرگ تر از پیش،  
در هزاره نو  
و آفتاب زرافشان صبح،  
روشن تر.  
چو آشکاره درخشد،  
درون هاله خورشید،  
مهرواره نو.

بمان و ببین!  
که زندگی چقدر زود می کند تغییر،  
و انسانها،  
چه مهربان تر و انسان تر  
از گذشته شوند.  
بس است...  
بس است بر سر همدیگر آنچه آوردیم.  
زمان - زمان دگرگونی نهادین است.  
جهان - جهان رهایی،  
برابری، بشری،  
ورستگاری تاریخ تازه -  
راوی پیر.

فضای گسترش دانش،  
آفرینش علم،  
شعر، موسیقی،  
و شادمانی دیدار آن که می آید،  
ز یک ستاره نو.

خوشا  
تجسم دنیای آرزومندی!  
خوش آمدی،  
به امید تو،

ای هزاره نو!

لندن، دی ماه ۱۳۷۸

